

چرخش صندوق‌ها به سمت مدیریت حرفه‌ای

اصلاح نظام بنگاه‌داری صندوق‌ها تأثیراتی ملموس بر حقوق بازنشستگان و سرمایه‌گذاران می‌گذارد و عملکرد صندوق‌ها را ارتقا می‌دهد



تحولات اخیر در سیاست‌گذاری اقتصادی کشور، به‌ویژه اصلاح ساختار بنگاه‌داری صندوق‌های بازنشستگی، نشانه‌ای روشن از رویکردی نو در بازآفرینی نقش این نهادها در اقتصاد ملی است. تشکیل «ستاد راهبری اصلاح نظام بنگاه‌داری صندوق‌های بازنشستگی» پاسخی عملی به چالشی است که سال‌ها در اداره دارایی‌ها و شرکت‌های تابعه این صندوق‌ها وجود داشت و می‌تواند دستاوردهای قابل توجهی برای ذی‌نفعان تأمین اجتماعی به همراه داشته باشد.

تمرکز بر مدیریت حرفه‌ای

اجرای سیاست خروج از بنگاه‌داری مستقیم، صندوق‌ها را از مداخلات اداری و تصمیم‌گیری‌های سیاسی فاصله می‌دهد و تمرکز آن‌ها را بر مدیریت حرفه‌ای سرمایه‌ها تقویت می‌کند. این اقدام بهره‌وری سرمایه‌ها را ارتقا داده، شفافیت و پاسخ‌گویی مدیریتی را افزایش می‌دهد و زمینه حضور فعال بخش خصوصی و رقابتی‌تر شدن فضای شرکت‌های وابسته را فراهم می‌کند. در نتیجه، منابع بیمه‌گذاران و بازنشستگان به سمت سودآوری پایدار هدایت می‌شوند و اعتماد عمومی نسبت به عملکرد صندوق‌ها تقویت می‌شود. فردین آقابزرگی، کارشناس اقتصادی، در گفتگو با آتیه‌نو توضیح داد که تشکیل ستاد راهبری اصلاح نظام بنگاه‌داری صندوق‌های بازنشستگی، گامی عملیاتی

در راستای تحقق اهداف اصل ۴۴ قانون اساسی است. این اصل بر کاهش تصدی‌گری دولت، تقویت بخش خصوصی و گسترش مدیریت غیردولتی در اقتصاد تأکید دارد. او افزود: «واگذاری شرکت‌های تحت تملک صندوق‌ها اگر با برنامه‌ریزی دقیق و شفافیت کامل اجرا شود، بهره‌وری اقتصادی را افزایش و وابستگی صندوق‌ها به دولت را کاهش خواهد داد.»

ضرورت نظارت دقیق و شفاف

آقابزرگی با اشاره به تجربه سال‌های گذشته گفت: «چالش اصلی در سیاست‌های اقتصادی کشور، ضعف در مرحله اجرا و نظارت دقیق بوده است. بسیاری از قوانین و برنامه‌های خوب به دلیل اجرا نادرست، نتایج مطلوب نداشته‌اند. اصلاح نظام بنگاه‌داری زمانی موفق خواهد بود که واگذاری‌ها واقعی، شفاف و مستقل از مداخلات سیاسی انجام شود.» او ادامه داد: «در دولت‌های گذشته، بسیاری از شرکت‌های سرمایه‌گذاری صندوق‌های بازنشستگی، از جمله شستا، به‌طور غیرمستقیم توسط مدیران دولتی اداره می‌شدند. وابستگی تصمیم‌ها به سیاست‌های دولتی موجب کاهش بهره‌وری و افت کارایی سرمایه‌گذاری‌ها شده بود. واگذاری مدیریتی این شرکت‌ها می‌تواند نقطه عطفی در اصلاح ساختار اقتصادی کشور باشد و بخش خصوصی واقعی را وارد عرصه رقابت و مدیریت حرفه‌ای کند.»

افزایش بهره‌وری صنایع استراتژیک

آقابزرگی تأکید کرد که واگذاری شرکت‌های زیرمجموعه شستا می‌تواند زنجیره ارزش افزوده در صنایع استراتژیک از جمله پتروشیمی، فولاد و خودرو را ارتقا دهد. این اقدام امکان رقابت منطقه‌ای و جهانی شرکت‌ها را فراهم می‌آورد و ارزش افزوده و مزیت نسبی صنایع کلیدی کشور را افزایش می‌دهد. او افزود: «هدف اصلی صندوق‌های بازنشستگی، بهینه‌سازی منابع مالی بیمه‌گذاران و مستمری‌بگیران است و واگذاری شفاف شرکت‌ها به تحقق این هدف کمک شایانی خواهد کرد.»

تضمین حقوق ذی‌نفعان

اجرای سیاست اصلاح نظام بنگاه‌داری، علاوه بر بهبود عملکرد مالی صندوق‌ها، منافع سهام‌داران، بازنشستگان و بیمه‌پردازان را نیز تضمین می‌کند. آقابزرگی گفت: «واگذاری‌های گذشته، به‌ویژه شرکت‌های زیانده که به صندوق‌ها منتقل شدند، فشار مالی زیادی به منابع صندوق‌ها وارد کرده است. جلوگیری از واگذاری‌های ناپایدار و مدیریت بهینه سرمایه‌ها ضروری است تا منابع به مسیر بهره‌وری و سودآوری پایدار هدایت شوند.» او افزود: «یکی از پیش‌شرط‌های موفقیت این اصلاحات، استقرار نظام نظارتی دقیق و چندلایه است. این نظارت باید شامل تمام مراحل واگذاری، انتخاب

مدیران و اعضای هیئت‌مدیره و پایش عملکرد شرکت‌ها باشد. انتخاب مدیران باید بر اساس شایستگی، تجربه واقعی و ارزیابی عملکرد صورت گیرد تا از انتقال ناکارآمدی به بخش خصوصی جلوگیری شود.»

نقش فناوری و شفافیت دیجیتال

آقابزرگی به اهمیت فناوری و تحول دیجیتال نیز اشاره کرد: «استفاده از سامانه‌های هوشمند برای رصد سرمایه‌گذاری‌ها، انتشار عمومی اطلاعات مالی و گزارش‌های عملکرد دوره‌ای می‌تواند اعتماد عمومی را افزایش دهد و زمینه نظارت مؤثرتر نهادهای ذی‌ربط را فراهم کند.» او ادامه داد: «لازم است سازوکار مشخصی برای بازگشت منابع حاصل از واگذاری‌ها به خود صندوق‌های بازنشستگی تعریف شود. سرمایه‌های آزادشده باید در توسعه اقتصادی، تنوع پرتفوی سرمایه‌گذاری و کاهش وابستگی به صنایع پرریسک به کار گرفته شوند. این اقدام پایداری مالی صندوق‌ها را تقویت کرده و فشار بر منابع محدود را کاهش می‌دهد.»

تأثیرات اجتماعی و اقتصادی

اصلاح نظام بنگاه‌داری صندوق‌های بازنشستگی تنها یک اقدام اقتصادی نیست، بلکه تأثیرات اجتماعی گسترده‌ای نیز دارد. با شفاف شدن مدیریت دارایی‌ها، اعتماد بازنشستگان و بیمه‌گذاران به صندوق‌ها افزایش می‌یابد و امنیت مالی آنان تضمین می‌شود. کاهش تصدی‌گری دولت و ورود بخش خصوصی به مدیریت شرکت‌ها، علاوه بر ارتقای بهره‌وری، امکان ایجاد اشتغال و توسعه ظرفیت‌های صنعتی را نیز فراهم می‌آورد. این اصلاحات می‌تواند به نفع جامعه، اقتصاد و نسل‌های آینده عمل کند. آقابزرگی جمع‌بندی می‌کند: «این تحول، چشم‌انداز تازه‌ای از مدیریت و سرمایه‌گذاری صندوق‌ها ارائه می‌دهد و امیدواری به آینده مالی بازنشستگان را تقویت می‌کند. اجرای دقیق و شفاف سیاست‌های اصلاحی می‌تواند صندوق‌های بازنشستگی را به سمت بهره‌وری بیشتر، سودآوری پایدار و استقلال مدیریتی هدایت کند.»

حرکتی راهبردی برای آینده

استمرار اصلاح نظام بنگاه‌داری نیازمند هماهنگی میان دولت، مجلس، نهادهای نظارتی و بخش خصوصی است تا اصلاحات ساختاری بدون وقفه و با پشتوانه نهادهای پیش‌رود. این مسیر، نقطه عطفی در بازآفرینی نقش صندوق‌ها در اقتصاد ملی خواهد بود و می‌تواند الگوی موفق برای نهادهای مشابه ارائه دهد. اصلاح نظام بنگاه‌داری صندوق‌های بازنشستگی، هم منافع مالی بیمه‌گذاران و بازنشستگان را تضمین می‌کند و هم ظرفیت‌های اقتصادی کشور را به شکلی کارآمد و پایدار فعال می‌سازد.

یادداشت
O P I N I O N



حسن فروزان‌فرد

عضو هیأت نمایندگان اتاق تهران

مدیریت مالی در عصر رکود تورمی

اقتصاد ایران در شرایطی پیچیده گرفتار رکود تورمی شده‌است؛ پدیده‌ای که هم‌زمان کاهش رشد اقتصادی و افزایش تورم را رقم زده و فضای تصمیم‌گیری و فعالیت برای بخش تولید را به شدت محدود کرده‌است. این وضعیت نه‌تنها بر تعادل بازارها اثر گذاشته، بلکه توان برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری فعالان اقتصادی را به شکل قابل توجهی کاهش داده‌است. رکود تورمی در ایران حاصل تعامل پیچیده‌ای میان ناترازی‌های ساختاری داخلی، تحولات سیاسی و فشارهای خارجی است و نمی‌توان آن را نتیجه یک عامل منفرد دانست.

در چنین شرایطی، بنگاه‌ها برای ادامه فعالیت نیازمند سرمایه در گردش هستند، منابع تأمین این سرمایه در حالت عادی از فروش، تسهیلات بانکی و بازار سرمایه تأمین می‌شود، اما هم‌اکنون این نظم مالی دچار اختلال شده‌است. افزایش قیمت مواد اولیه ناشی از اختلال در زنجیره تأمین جهانی، کاهش تقاضای مصرف‌کننده بر اثر افت قدرت خرید، رشد هزینه‌های حمل‌ونقل و بیمه و محدودیت دسترسی به منابع مالی، همگی بر شدت بحران افزوده‌اند. روش‌های سنتی تأمین مالی، مبتنی بر تسهیلات بانکی کوتاه‌مدت و سرمایه مالکانه، در شرایط فعلی انعطاف‌پذیری لازم را ندارند و پاسخگوی نیاز بنگاه‌ها نیستند.

بانک‌ها همچنان نقش حیاتی در تأمین سرمایه در گردش ایفا می‌کنند. اعطای تسهیلات کوتاه‌مدت با نرخ ترجیحی، تمدید دوره بازپرداخت وام‌های قبلی و ایجاد خطوط اعتباری ویژه برای صنایع کلیدی می‌تواند فشار مالی بر بنگاه‌ها را کاهش دهد. با این حال، کاهش نقدینگی بانک‌ها، افزایش ریسک نکول و محدودیت وثایق از سوی کارخانه‌ها، از موانع جدی پیش روی این مسیر هستند.

بازار سرمایه نیز با وجود نوسانات، ظرفیت قابل توجهی برای تأمین مالی دارد. ابزارهایی مانند اوراق بدهی شرکتی، صندوق‌های درآمد ثابت و اوراق مشارکت، می‌توانند به کمک بنگاه‌ها بیایند، اما بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران، افت شاخص‌ها و کمبود نقدینگی، مانع بهره‌گیری کامل از این ظرفیت‌هاست. در این شرایط، مدیران مالی مجبور به استفاده از ترکیبی از ابزارهای سنتی و نوآورانه هستند تا ریسک مالی کاهش یافته و امکان توسعه پایدار فراهم شود.

تجربه جهانی نشان می‌دهد تأمین مالی جمعی، سرمایه‌گذاری جسورانه، اوراق بدهی پروژه‌ای و صندوق‌های سرمایه‌گذاری ویژه پروژه می‌توانند راهگشا باشند. تأمین مالی جمعی امکان جذب منابع خرد از سرمایه‌گذاران مختلف را فراهم می‌کند و وابستگی به بانک‌ها را کاهش می‌دهد. سرمایه‌گذاری جسورانه نیز با ارائه منابع مالی و مشاوره مدیریتی، بنگاه‌های نوپا را به رشد سریع هدایت می‌کند. اوراق بدهی پروژه‌ای و صندوق‌های ویژه، فشار مالی بر بنگاه یادولت را کاهش داده و زمینه جذب سرمایه داخلی و خارجی را فراهم می‌سازند. استفاده از نرم‌افزارهای هوشمند و پلتفرم‌های مالی، ابزار دیگری برای مدیریت نقدینگی و پیش‌بینی جریان نقدی است.